

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی بیماری های ژنتیکی به واسطه ازدواج خویشاوندی

مؤلفین

مریم میرشکالی

فاطمه میرزایی چهارراهی

ویراستار

مینو رضایی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

به پاس تصویر عظیم و انسانی شان از کلمه ایشار و از خودگذشتگان

به پاس عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودشان که در این

سردترین روزگار ان بهترین پشتیبان است

به پاس قلب های بزرگشان که فریاد رس است و سرگردانی و

ترس در پناهشان به شجاعت می گراید

و به پاس محبت های بی دریغشان که هرگز فروکش نمی کند

این مجموعه را به پدر و مادر عزیزم تقدیم می کنم

فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول

تعریف ازدواج خویشاوندی

فصل دوم

رابطه نازایی با استرس های روانی - اجتماعی و
اختلالات کروموزومی

فصل سوم

رابطه ازدواج خویشاوندی و عقب ماندگی گروه
بندی روان پزشکان از عقب مانده ها با نگاهی
به پژوهش های علمی مرتبط

تحلیل مقالات علمی در باب روابط فامیلی و ازدواج در کشور میانمار و نگاهی اجمالی به کتاب «رابطه فامیلی و ازدواج در قوم آنلوا و نسبت فامیلی، سنخیت فرهنگی و مهاجرت، ازدواج نسبی بین انگلیسی های پاکستانی تبار»

ازدواج خویشاوندی و یا پیوند میان دو فرد دارای دست کم یک نیای مشترک، یکی از اشکال ازدواج در بیشتر مناطق شمال آفریقا، آسیای مرکزی و غربی و آسیای جنوبی می باشد (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵: ۱۲۰). این الگوی ازدواج از لحاظ فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در بین کشورها و حتی در داخل یک کشور متفاوت است. همچنین در میان گروههای قومی - مذهبی تفاوتهای آشکاری دیده می شود. در واقع می توان بیان داشت که این الگوی ازدواج با توجه به عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

هر کشور و هر منطقه ای متفاوت است. ازدواج خویشاوندی در استانهای مختلف نیز تفاوت‌های معنی داری را نشان می‌دهد. در کشورهای منطقه مدیترانه شرقی تمایل به ازدواج خویشاوندی به هیچ وجه به کشورهای اسلامی محدود نیست. ازدواج فرزندان عمو، عمه، دایی و خاله همچنین، در بعضی جوامع مسیحی، یهودی و در بین زرتشتیان رایج است. ازدواج عمو با دختر برادر در بین جوامع کلیمی وجود دارد. ولی در اسلام و مسیحیت این نوع ازدواج منع شده است (فرهود، ۱۹۹۱: ۱). شیوع ازدواج

خویشاوندی در ایران در مناطق شهری و روستایی متفاوت است، که در مناطق شهری از حدود ۲۴ تا ۶۴ درصد متغیر است. طبق مطالعات انجام شده قومیت نیز در شیوع ازدواج خویشاوندی نقش دارد به طوری که در بین قوم بلوچ ۵۹ درصد ازدواجها و در بین آذری ها ۳۸ درصد ازدواجها خویشاوندی می باشد (فرهود، ۱۹۹۱: ۷). فراوانی ازدواجهای خویشاوندی در بین مسلمانان بیشتر از مسیحیان گزارش شده است (کلات، ۱۹۸۸: ۱۸۸). همچنین در بین گروههای شیعه و سنی نیز تفاوتهای

آشکاری دیده می شود. تا یک قرن اخیر به دلیل اینکه بشر عوامل بیماریزا را نمی شناخت این نوع ازدواج ها نه تنها معضل نبود، بلکه یک امر مطلوب به شمار می آمد. با پیشرفت و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و مبارزه با بیماری های عفونی، مرگ و میر کودکان کاهش یافته و منجر به افزایش اهمیت بیماریهای ژنتیک در جامعه شد. در حال حاضر انتقال بیماریها از بیماریهای عفونی به سمت بیماریهای ارثی و ژنتیکی می باشد. در این میان نقش ژنتیک اجتماعی در بررسی تاثیرات شهرنشینی، مدرنیزه شدن، کنترل جمعیت و نیز تمایل به داشتن

خانواده های کوچکتر در میزان شیوع بیماریهای اتوزومال مغلوب^۱ مهم به نظر میرسد (اکرمی، ۱۳۸۵: ۳۵۹). در واقع می توان بیان کرد که با پیشرفت علم ژنتیک مشخص شد که ازدواج خویشاوندی یکی از عوامل مهم بیماریهای ارثی است. ازدواج های فامیلی نه تنها، احتمال مبتلا شدن فرزندان به بیماریهای ارثی را افزایش می دهد بلکه باعث ازدیاد این بیماریها و ژنهای بیماری زا در نسل های آینده می شود. بر اساس آمارهای جهانی سه تا چهار درصد مرگ و میر نوزادان به دلیل اختلالات ژنتیکی رخ می

1- Autosomal recessive

دهد. خطر ایجاد بیماری مادرزادی در هر حاملگی در جمعیت عادی حدود ۲,۵ درصد می باشد (اکرمی، ۱۳۸۵: ۳۶۰). همچنین تحقیقات مختلف بیانگر این مطلب است که میزان معلولیت، خطر مرده زایی و مرگ نوزادان و ناهنجاری های مادرزادی در ازدواج های فامیلی بسیار بیشتر از ازدواج های غیر فامیلی است (کمپلا، ۱۹۹۹: ۵۱۸). به عبارت دیگر می توان گفت احتمال تولد کودک معلول در ازدواج های فامیلی دو تا سه برابر ازدواج های غیر فامیلی است. در حال حاضر ازدواج های

فامیلی در بعضی از کشورهای پیشرفته و صنعتی ممنوع شده است. در کشورهای غربی امروزه مشکلی به نام ازدواج های همخونی و عوارض ناشی از آن وجود ندارد (سروری، ۱۳۷۴). ولی قابل ذکر است که شیوع این نوع ازدواج در کشورهای در حال توسعه بالاست. در ایران نیز اینگونه ازدواج ها شیوع بالایی دارد. نتایج تحقیقات گیونز و هیرشمن^۱ نشان می دهد که ۴۰ درصد ازدواج ها از نوع خویشاوندی است (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). نتایج بررسی سعادت وهمکاران (۲۰۰۴) نیز نشان می

^۱- Givens & Hirshman

دهد که در حدود ۳۸/۶ درصد ازدواج‌ها در ایران خویشاوندی و در حدود ۲۷/۹ درصد آنها از نوع خویشاوندی درجه اول^۱ بوده‌اند. با توجه به این مطلب که ازدواج خویشاوندی در ایران به عنوان یک الگوی ازدواج هنوز پایدار است و ممکن است به دلایل گوناگون در آینده نیز ادامه داشته باشد، لذا با شناخت ابعاد مختلف این پدیده به ارائه راهکارهای عملی و کاربردی در جهت کاهش ازدواج‌های خویشاوندی پرخطر و در نتیجه کاهش ناهنجاریها و بیماریهای ژنتیکی کودکان گامی موثر برداریم.

فصل اول

تعریف ازدواج خویشاوندی

الف) تعریف نظری: افرادی که دارای جد یا اجداد مشترک می باشند و در نتیجه از اجداد مشترک خود ژنهای یکسانی دریافت کرده اند، خویشاوند نامیده می شوند. درجه خویشاوندی دو فرد با نسبت ژنهای مشترک آنها بستگی دارد. افرادی که یک دوم ژنهایشان مشترک است، خویشاوند درجه یک، افرادی که یک چهارم ژنهایشان مشترک است، خویشاوند درجه دو و افرادی که یک هشتم ژنهایشان مشترک است؛

خویشاوند درجه سه نامیده می شود. افرادی که یک شانزدهم و یک سی و دوم ژنهایشان مشترک است، به ترتیب خویشاوند درجه چهار و پنج محسوب می شوند. (امیرخانی، ۱۳۷۲، ص ۵۱۲)

ب) تعریف عملی: منظور ازدواج خویشاوندی والدین زوج نا بارور و ازدواج خویشاوندی خود زوجین می باشد که حداکثر تا ضریب خویشاوندی $1/512$ خویشاوند فرض شده و بعد از آن غیر خویشاوند تلقی می شود. در این مورد به گفته‌های افراد فوق اکتفا می شود. در بعضی از موارد ازدواجهای فامیلی-

مانند ازدواج دختر عمو و پسر عمو، دخترخاله و پسرخاله، دختر دایی و پسر عمه ممکن است مشکلاتی از جهت تولید نسل به وجود آید. مثلاً: فرزندانشان بیمار و یا ضعیف و یا ناقص شوند. این مساله، ثابت شده است و جای انکار آن نیست. در این باره، چند نکته را متذکر می شویم:

۱- این قانون ژنتیکی (وراثتی)، کلیت ندارد و شامل همه ازدواجهایی فامیلی نمی شود. و نمی توان همه ازدواجهای فامیلی را مرور و ممنوع دانست.

۲- افرادی که بخواهند چنین ازدواجهایی را انجام دهند، حتماً به جنبه پزشکی اش دقت کنید

و آزمایشهای لازم را انجام دهند و تا مطمئن نشوند که از این نظر مشکلی ندارند، ازدواج نکنند. (مظاهری، ۱۳۸۱، ص ۲۲۴)

۳- آزمایشهای پزشکی و هر کاری که لازم است در این باره صورت گیرد، باید قبل از آن باشد که در اثر مطرح کردن ازدواج، میان دختر و پسر دلبستگی و علاقه ای به وجود آید و به هم امیدوار شوند و قبل از آنکه مساله خواستگاری آنان بین مردم پخش شود و سر و صدا ایجاد کند... که اگر بناست در نتیجه آزمایشها، قضیه فیصله باید و ازدواج صورت نگیرد، هرچه زودتر تمام شود. هرچه بیشتر طول بکشد، «جدایی»

سخت تر می شود و دردسرهایی نیز به دنبال دارد. (مظاهری، ۱۳۸۱، ص ۲۲۴)

۴- آن ازدواجهای فامیلی که در بین خاندان پیغمبر اکرم (ص) صورت گرفته (مانند ازدواج حضرت علی و حضرت زهرا- سلام الله علیهما) و هیچگونه مشکلی هم به دنبال نداشته است. علت‌هایی داشته است که یکی از آن علت‌ها این بوده که: آنان با علمی که خداوند به آنان داده، باطن امور را می دانند و از اسراسر غیب باخبرند و می دانسته‌اند که این ازدواجها برای آنان، مشکلی را به دنبال نخواهد داشت.

زوجیت در قلمرو روابط خویشاوندی

موضوع ازدواج فامیلی از جمله مسائل مورد توجه بسیاری از خانواده ها و داوطلبان ازدواج در جامعه اسلامی ایران و همه جوامع انسانی است. (افروز، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷) از آنجا که در میان قشرهای مختلف مردم، در مناطق شهری و روستایی و با سطوح تحصیلی و فرهنگی گوناگون، نگرش ها و بازخوردهای متفاوت نسبت به ازدواج های خویشاوندی وجود دارد و بعضاً به وسیله برخی متخصصان، صاحب نظران و کارشناسان نیز دیدگاه های متفاوت و گاه توأم با تعصبات خاص ارائه می شود، شایسته است در این بخش از مجموعه مباحث ازدواج در بستر

ارزشها، به طور خلاصه و مستدل به این مهم اشاره گردد، بویژه اینکه مساله ازدواج های خویشاوندی از دیر باز مورد توجه ادیان، جوامع و فرهنگ های مختلف بوده و در دهه گذشته نیز مجموعه مطالعات انجام شده و مقالات انتشار یافته در باب ازدواج های خویشاوندی و پرداختن به این مهم از زوایای مختلف، فوق العاده چشمگیر بوده است. (افروز، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷) باید توجه داشت که در این بحث، منظور اصلی از ازدواج های خویشاوندی، امکان ازدواج نوه های پسری و دختری پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها با یکدیگر است. به عبارت دیگر

محور سخن، مقدور بودن ازدواج پسرعموها با دخترعموها، پسرخاله‌ها با دخترخاله‌ها، پسر دایی با دختر عمه‌ها و پسر عمه با دختر دایی‌ها می‌باشد. در نگاه بسیاری از مسیحیان و پیران کلیسایی، ازدواج خویشاوندی درجه اول (دختر عمه و پسر عمه، دخترخاله و پسرخاله و پسرعمو و دختر عمو و به عکس) مجاز نیست و در برخی از کشورها و بسیاری از ایالت‌های امریکا بدین موضوع توجه می‌شود و عموماً عموزاده‌ها، خاله زاده‌ها، عمه زاده‌ها و دایی زاده‌ها بدون مجوز کلیسا نمی‌توانند با هم ازدواج کنند. در دهه اخیر بسیاری از محققان برجسته، پژوهشگران مشهور و

استادان دانشگاه های معروف امریکا، در مقالات متعدد براساس بررسی های تاریخی و علمی خود با عنایت به متون کتاب مقدس انجیل، انتساب ممنوعیت ازدواج با خویشاوندان درجه اول را به آیین مسیحیت و کتاب مقدس انجیل، امری غیر واقع و نادرست تشخیص داده، این ممنوعیت را صرفاً در محدوده قوانین وضع شده به وسیله کلیسا و فرمان های کشیشان در شرایط و موقعیت های خاص دانسته‌اند. به عبارت روشن تر نه تنها در هیچ یک از بخش ها و آیات کتاب های موجود انجیل، ذکری از ممنوعیت ازدواج عموزاده ها و خاله زاده ها به چشم نمی‌خورد،

بلکه در بخش ۳۶ کتاب مقدس انجیل به فرمان خدا مبنی بر پیوند ازدواج دخترعموها با پسرعموها اشاره شده است. (افروز، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸) انجیل مقدس نیز محارم (یعنی کسانی که ازدواج با آنها ممنوع است) را مشابه قرآن کریم اعلام می‌دارد و هرگز ذکری از ممنوعیت ازدواج عموزاده‌ها به میان نمی‌آید! این در حالی است که انجیل مقدس به صراحت روابط جنسی مردها و زن‌ها را خارج از دایره ازدواج و پیوند زناشویی حرام می‌شمارد^۲ و از این بابت نیز هماهنگ با آیات سوره نور در قرآن کریم است.

بررسی سوابق تاریخی ممنوعیت کلیسایی ازدواج
عموزاده ها و خاله زاده ها با یکدیگر، بیانگر این
حقیقت است که در سال ۱۰۵۹ میلادی، پاپ
نیکلاس دوم، رهبر وقت کاتولیک ها، با صدور
فرمانی ازدواج عموزاده ها و خاله زاده ها را تا
شش نسل (یعنی علاوه بر فرزندان، نوه ها، نیره
ها و نتیجه های عموها)، ممنوع اعلام می کند.
محققان، انگیزه یا انگیزه ای چنین تصمیمی را
عمدتاً در دو زمینه می دانند: یکی تمایل فراوان
برخی از خانواده ها برای حفظ ثروت در درون
روابط خانوادگی و در محدوده خویشاوندان

نسبی (تمرکز ثروت و قدرت اقتصادی) و دیگران گرایش خانواده ها به نمای قدرت و تبدیل شدن خانواده ها به منبع قدرت و نیروی متحد در گستره روابط خویشاوندی و در نتیجه به وجود آمدن قدرت و تهدیدی بالقوه علیه کلیسا، ازدواج بین خویشاوندان، عموزاده ها، خاله زاده ها، دایی زاده ها و عمه زاده ها ممنوع اعلام می شود. البته در این شرایط نیز عموزاده های داوطلب ازدواج می توانستند با مراجعه به کلیسا و پرداخت مبلغی به عنوان اعانه یا کمک به کلیسا براحتی مجوز ازدواج را به دست آورند و این شرایط سبب تقویت بنیه مالی کلیسا می شد

(کماکان در بعضی کلیسا وضعیت به همین گونه است). سوابق این امر در کلیساهای قدیمی کاتولیک ها موجود است. پس از جنبش اصلاح طلبانه پروتستان در سال ۱۵۰۰ میلادی، بسیاری از کلیساهای ازدواج عموزاده ها را بلامانع اعلام کردند. از سال ۱۸۰۰ میلادی بتدریج تقریباً در همه کشورهای اروپایی ازدواج فامیلی بلامانع اعلام شد و ازدواج ملکه ویکتوریا با پسر عموی خود و ازدواج چارلز داروین با دختر عمویش از شاخص ترین ازدواج های فامیلی است که در اروپا صورت می گیرد. در ایالات متحده امریکا نیز از سال ۱۸۵۰ به بعد بتدریج مخالفت

گروه‌های مختلف مردم و اندیشمندان و محققان با ممنوعیت ازدواج‌های کلیسایی صورت پذیرفت و بسیاری از دختر عموها و پسرعموهای داوطلب ازدواج توانستند بدون دریافت مجوز از کلیسا ازدواج کنند. (افروز، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰)

تا سال ۱۹۹۷ میلادی در ۲۶ ایالت امریکا از جمله هاوایی و کالیفرنیا ازدواج خویشاوندی مجاز بوده، داوطلبان ازدواج از میان عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها می‌توانستند بدون منع قانونی به عقد یکدیگر در آیند. با توجه به ایالت‌هایی که ازدواج خویشاوندی در آنها مجاز است می‌توان به صراحت گفت که در حال حاضر اکثر

جمعیت امریکا عندالاقضا مجاز به ازدواج فامیلی در برخی از ایالت های امریکا، مساله چندان قابل توجهی برای مردم نبوده و مشکل یا محدودیت خاصی را به وجود نیاورده است. همان گونه که می دانیم در حال حاضر نظام خانواده و روابط خویشاوندی در کشورهای غربی از استحکام و پایداری چندانی برخوردار نیست و غالباً فرزندان جوان خانواده قبل از ازدواج به دلایل گوناگون از خانواده پدری جدا شده، سعی می کنند به اتفاق دوستان یا بتنهایی زندگی مجزا و مستقلی داشته باشند. گاهی فرزندان جوان یک خانواده پس از هجرت از خانواده پدری و داشتن زندگی

مستقل، ممکن است ماه ها، بلکه سال ها خواهر یا برادر خود را نبینند و بالطبع فرزندانشان (عموزاده ها و خاله زاده ها و دایی زاده ها و عمه زاده ها) نیز فرصت چندانی برای آشنایی و با خبر شدن از حال و احوال همدیگر پیدا نمی کنند. هرچند که پدربزرگ ها و مادربزرگ ها دوست می دارند لاقلاً سالی یک بار همه فرزندان، نوه ها و نتیجه های خود را کنار هم ببینند، ولی این امر بسیار کمرخ می دهد و این گونه روابط روز به روز کم رنگ تر می شود، یکی از دلایل این وضعیت ناخوشایند را می توان در بالا بودن فراوانی طلاق و جدایی در بین خانواده های غربی جست و جو

کرد. از این رو درصد پدربزرگ‌هایی که توفیق یافته اند با داشتن چند فرزند و نوه کماکان با همسر اولشان زندگی کنند و خانواده هایشان از آسیب پذیری های اجتماعی مصون مانده است، بسیار اندک می‌باشد. (افروز، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱)

در واقع مساله ازدواج های خویشاوندی، زمانی می تواند به صورت جدی مطرح باشد که پدربزرگ ها و مادربزرگ ها از بیشترین اقتدار عاطفی و روانی برخوردار بوده، برادرها و خواهرها صمیمی ترین رابطه ها را داشته باشند. در سایه چنین روابط خوشایند و دوست داشتنی است که عموزاده ها و خاله زاده ها و دایی زاده

ها و عمه‌زاده‌ها فرصت شناخت متقابل و ابراز
علاقه اجتماعی نسبت به یکدیگر را می‌یابند.
بنابراین می‌توان گفت که مساله ازدواج‌های
خویشاوندی در خانواده‌های غربی به لحاظ کم
رنگ بودن قوام و دوام و انسجام خانواده‌ها و
عدم قوت و غنای روابط خویشاوندی نمی‌تواند
همانند جوامع شرقی مورد توجه خاص باشد، اما
این مساله کماکان در جوامع علمی مغرب زمین
از دیدگاه فرهنگی - اجتماعی، پزشکی و ژنتیکی
مورد بحث است. از سوی دیگر مساله ازدواج
های خویشاوندی در میان برخی از اقوام و اقلیت
های دینی، مثل یهودیان به گونه‌ای بسته‌تر مورد

توجه است، به صورتی که از دیدگاه یهودیان نه تنها ازدواج عموزاده ها و خاله زاده ها و دایی زاده ها و عمه زاده ها مجاز می باشد، بلکه به دلایل عدیده از جمله تعصبات شدید و قوی خویشاوندی و ازدواج جهود با نزدیک ترین جهود،^۱ اصرار ورزیدن بر تقویت دایره روابط خویشاوندی و تلاش برای پیشگیری از وارد شدن دیگران به درون حلقه های خانوادگی و فامیلی و حفظ قدرت اقتصادی و نظامی در قلمرو روابط بسته خانوادگی و خویشاوندی های خونی، ازدواج بعضی از محارم با یکدیگر، نظیر

^۱ قانون شالوم بایت (صلح در خانه) "Peace in the home"

ازدواج دایی و عمو با خواهرزاده ها و برادرزاده ها مباح شمرده می شود. از همین رو شیوع فوق العاده بعضی از بیماری‌ها و فراوانی نوزادان و کودکان معلول در میان آن دسته از خانواده های اقلیت یهودی که ازدواجشان بر همین اساس بوده، فوق العاده معنی دار است!^۱ اما در فرهنگ و ارزشهای اسلامی، ازدواج عموزاده ها و خاله زاده ها و دایی زاده‌ها و عمه زاده ها با یکدیگر، در صورت احراز شرایط کفویت و معیارهای

^۱ در فلسطین اشغالی به رغم بهره مندی اکثر خانواده ها و مادران از استانداردهای بالای بهداشتی، آمار تولد کودکان معلول ذهنی و جسمی فوق العاده است. بیماری عقب ماندگی ذهنی ژنتیکی (Tay Sachs) بیشترین شیوع و فراوانی را در بین یهودیان به خود اختصاص داده است.

زوجیت و قابلیت‌های بایسته همسری بلامانع اعلام شده است. باید توجه داشت که بلامانع بودن این قبیل ازدواج‌ها لزوماً به معنای توصیه و تشویق آن نیست. به عبارت دیگر آنچه در تعلیمات اسلامی بیشتر مورد توجه و تاکید قرار گرفته است اصل اعتقاد به ازدواج بهنگام و تسهیل در زوجیت‌های بایسته و شایسته و ازدواج با افراد واجد شرایط، حتی‌الامکان خارج از محدوده خویشاوندان نزدیک است! به عنوان

^۱ تذکر این نکته لازم است که ازدواج عرشی امیرالمومنین علی - علیه السلام - و حضرت زهرا - سلام الله علیها - نمی تواند و نباید به عنوان نمونه‌ای از ازدواج‌های خویشاوندی (ازدواج با عموزاده‌ها، خاله زاده‌ها و...) تلقی شود. حضرت زهرا - سلام الله علیها - دختر عموی امام علی - علیه السلام - نبودند، بلکه نوه عمویشان بودند و بالطبع اما علی - علیه السلام - نیز به معنای دقیق کلمه پسرعموی حضرت زهرا - سلام الله علیها -

مثال پیامبر خدا- صلی الله علیه و آله- فرمودند:
لاتنکحوا القرابه القربته فان الولد یخلق ضاویاً! با
اقوام نزدیک ازدواج نکنید، زیرا فرزندان این
گونه ازدواج ها ممکن است لاغر و نحیف و
آسیب پذیر باشند. همان طوری که اشاره شد،
نگرش برخی از مسیحیان هوادار قوانین کلیسا،
پرهیز از ازدواج خویشاوندی است و به رغم

نبودند بلکه پسر عموی پدرشان بودند. بنابراین ازدواج امام علی و
حضرت زهرا علیهما السلام- خارج از محدوده قوانین حاکم بر ازدواج
های برادرزاده ها و خواهرزاده ها، صورت پذیرفته است. نکته مهم این
است که کفو و همسری شایسته تر از حضرت زهرا- سلام الله علیها- برای
امام علی- علیه السلام- وجود نداشت و کفوی برتر از امام علی-
علیه السلام- برای حضرت زهرا- سلام الله علیها- قابل تصور نبود و این
سخن که عقد دختر عموها و پسرعموها در آسمان ها بسته شده است نیز
سخنی بی پایه و بی اساس است.

۱ المحجه الیضاً، جلد ۳، صفحه ۹۴، به نقل از کتاب تامین اجتماعی در
اسلام، تالیف استاد جعفر سبحانی.

تغییرات اساسی در این نگرش، کماکان بعضی ازایشان ازدواج برادرزاده ها و خواهرزاده ها را با یکدیگر مطلوب نمی دانند و باور غالب در بین گرویدگان به آیین یهود نه تنها بر بلامانع بودن ازدواج بین برادرزاده ها و خواهرزاده هاست، بلکه ازدواج خود برادر با برادرزاده و یا خواهر زاده و خواهر با برادرزاده نیز مباح می باشد. اما در فرهنگ اسلامی ازدواج برادر با برادرزاده یا خواهرزاده و خواهر با خواهرزاده و برادرزاده حرام، ولی ازدواج بین برادرزاده ها و خواهرزاده ها بلامانع اعلام شده است. در حقیقت در فرهنگ و ارزشهای اسلامی آنچه بیش از هر چیز

مهم است، مساله زوجیت مطلوب و شایسته بین داوطلبان ازدواج است. به عبارت دیگر فراهم بودن امکان ازدواج موفق برای داوطلب ازدواج اعم از مرد و زن، امری بسیار مهم و قابل توجه است. عدم ممنوعیت ازدواج بین برادرزاده ها و خواهرزاده ها از دیدگاه مکتب حیات بخش اسلام، نشانه جامعه نگری، مال اندیشی، استواری و منطقی بودن نظام ارزشی و جهان شمولی و جاودانگی احکام و بایدها و نبایدهای آن بر فراز عصرها و نسلهاست! در واقع به رغم بالا بودن

^۱ ولدینا کتاب ینطق بالحق (قرآن کریم، سوره مومنون). در نزد ما کتابی است و منطق آن بر پایه حق و حقیقت استوار است.

نسبی آسیب پذیرفتگی احتمالی نوزادان در نتیجه ازدواج‌های فامیلی در مقایسه با ازدواج‌های غیر فامیلی که در این مبحث به اختصار به چگونگی آن اشاره خواهد شد، باید توجه داشت که اصولاً ممنوعیت ازدواج بین خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌ها به دلایل گوناگون نمی‌تواند امری مطلوب و منطقی و قابل تعمیم در مناطق مختلف شهری و روستایی در جوامع و کشورهای گوناگون کره زمین باشد. توجه به اینکه اصل زوجیت به عنوان امری لازم و حیاتی برای همه جوانان و داوطلبان واجد شرایط مطرح است، بنابراین باید همواره امکان ازدواج میان واجدان شرایط فراهم گردد.

در گستره گیتی با مناطق و سرزمین هایی آشنا می شویم که همه ساکنان آن به گونه ای با هم خویشاوندند و اغلب برادرزاده و خواهرزاده می باشند. بنابراین اگر در چنین جمعیت محدودی فرصت ازدواج برای عموزاده ها و خاله زاده ها مقدور نباشد، به یقین شاهد بروز مشکلات جدی و قابل ملاحظه در آن مناطق خواهیم بود. فی المثل در کشور پهناور ایران بیش از هفتاد هزار روستای کوچک، متوسط و بزرگ وجود دارد که در برخی از این روستاها تقریباً همه ساکنان با هم خویشاوندند و درصد قابل توجهی از اهالی این روستاها پسرعموها و دخترعموهای

جوان و خاله زاده ها، دایی زاده ها و عمه زاده های داوطلب ازدواج هستند و امکان ازدواج با دخترها و پسرهای سایر روستاها و شهرها نیز به آسانی برای ایشان مقدور نیست. از این رو چنانچه این جوانان نتوانند با عموزاده ها و خاله زاده های واجد شرایط خود ازدواج کنند، عمدتاً به مشکلات جدی و بعضاً آسیب های شخصیتی، فرهنگی و اجتماعی مواجه خواهند شد. (افروز، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵) گاه نیز شرایطی فراهم می آید که دو یا سه برادر به اتفاق همسران خود از سرزمین اجدادی و موطن همیشگی شان هجرت کرده، تصمیم می گیرند در یک جزیره آرام و یا